



مقاله

رسیدن به موفقیت با از بین بردن بهانه ها

همه ی ما دوست داریم برای رسیدن به موفقیت کاری انجام بدهیم، اما یا حس و حال آن را نداریم یا از شنبه می خواهیم شروع کنیم یا اینکه بهانه هایی در ضمیر ناخودآگاه ما شکل گرفته که اجازه ی حرکت را به ما نمی دهد. در این مقاله با چند مورد از این بهانه ها آشنا می شویم که یاد می گیریم چگونه آنها را در ذهنمان بکشیم و راه موفقیت را به روی خود باز کنیم.

۱- سرمایه اولیه ندارم!

اغلب اشخاص در شروع کارشان هیچ سرمایه ای ندارند. در شروع به پول چندان نیاز نیست، بلکه یک ایده ی خلاق و خوب به همراه یک ذهن مثبت چیزی است که ضرورت دارد. هرکسی در این دنیا حداقل در یک زمینه استعداد دارد که اگر به درستی از آن استفاده کند می تواند به خواسته های مالی خود برسد.

به نظر می رسد که قفر برای بسیاری از خانواده ها موضوعی ارثی به نظر می رسد که مانند رنگ مو یا پوست از نسلی به نسل دیگر به ارث می رسد. برای اشخاصی که در خانواده های



مقاله

رسیدن به موفقیت با از بین بردن بهانه ها

فقیری بزرگ شده اند، تصور اینکه بتوانند روزی پولدار شوند دشوار است.

اما خیلی از افراد با عوض کردن باور خود توانستند به ثروت های عظیمی دست پیدا کنند. به عنوان مثال چارلی چاپلین جوانی خود را در فقر سپری کرد. در خیابان های لندن پرسه می زد ولی در نهایت یکی از ثروتمندترین بازیگران سینما شد.

۲- من بیش از اندازه جوان هستم!

این حرف را به استیو جابز بنیانگذار شرکت اپل بگویید که در بیست و سه سالگی به اولین یک میلیون دلار، در بیست و چهار سالگی به اولین ده میلیون دلار و در بیست و پنج سالگی به اولین صد میلیون دلار خود دست یافت.

کمبود تجربه با کار و تلاش و جسارت، جرأت و خلاقیت جبران می شود. تاریخ نشان می دهد که اغلب انسان های موفق در شرایطی شروع کردند که بی تجربه بودند و به تدریج آموختند که آنچه را نداشتند به دست آوردند.



مقاله

رسیدن به موفقیت با از بین بردن بهانه ها

اگر یک نفر توانست پس شمایی که این باور را در خود ساختی هم می توانی، کافیست باورهای او را در خود ایجاد کنید و مثل او رفتار کنید.

۳- ما دیگر پیر شدیم، دیگر از ما گذشته!

سرهنگ ساندرز بنیانگذار مرغ کنتاکی را به یاد بیاورید که حول و حوش شصت سالگی با یک ایده به ثروت عظیمی دست یافت. بررسی ناپلئون هیل درباره ثروتمندان نشان داد که بسیاری از اشخاص موفق تا میانسالی و حتی بعد از آن به هدف های خود نمی رسند. سن ابدأ مسئله مهمی نیست. سال های تجربه، بسیار ارزشمند است. واقعیتی است که بسیاری از اشخاص، تازه بعد از پا به سن گذاشتن کار دوم و سوم خود را انتخاب می کنند.

۴- تحصیلات کافی یا مدرک خاصی ندارم!

توماس ادیسون قبل از شانزده سالگی ترک تحصیل کرد. بیل گیتس، صاحب مایکروسافت را از کالج اخراج کردند.



مقاله

رسیدن به موفقیت با از بین بردن بهانه ها

فراموش نکنیم اگر چه بسیاری از افراد موفق تحصیلات رسمی نداشتند اما درباره صنعتی که در آن شاغل شدند اطلاعات عمیقی کسب کردند.

0- مثل خیلی ها مادرزادی استعداد ندارم!

نه ندارید. بسیاری از افراد موفق نشانه ای برای موفق شدن و به شهرت رسیدن نداشتند. بسیاری از اشخاص موفق وقتی با خود فکر می کنند، خود را با استعداد در نظر نمی گیرند و برای توحیه موفق نشدنشان، تا بخواهد دلیل و بهانه می آورند. این در حالی است که هرکس در این دنیا استعدادی دارد، هر کس در زمینه ای صاحب ذوق است. وقتی استعداد منحصر به فرد خود را کشف کنیم، باید برای رشد و پرورش آن تلاش کنیم.



مقاله

رسیدن به موفقیت با از بین بردن بهانه ها

۶- انرژی کافی ندارم!

این اغلب تفاوت بزرگی است که میان موفق ها و ناموفق ها وجود دارد. انرژی در بسیاری از افراد به صورت بالقوه وجود دارد فقط در خواب زمستانی فرو رفته است و لازم است که آن را بیدار کنیم.

از سوی دیگر انجام دادن کاری که آن را دوست نداریم انرژی بیشتری می خواهد. دقت کنید وقتی کار مورد علاقه تان را انجام می دهید چقدر پرانرژی هستید و زمان چگونه مثل برق و باد می گذرد. وقتی کار مورد علاقه مان را انجام دهیم انرژی مورد نیاز چه از نظر جسمی یا روحی تأمین می شود.

۷- می ترسم شکست بخورم!

ما با دو تا ترس متولد می شویم: ترس از افتادن و ترس از صداهای بلند. سایر ترس ها اکتسابی هستند. ترس از شکست اغلب ناشی از شکست های قبلی است، ناشی از نبود اعتماد به نفسی است که پدر و مادرمان ناخواسته آن را به ما داده اند. باورهای منفی جامعه هم آن



مقاله

رسیدن به موفقیت با از بین بردن بهانه ها

را تشدید می کنند.

گاه ترس از شکست آشکارا بیان می شود. اما در اغلب موارد حالت ناخودآگاه دارد و به شکل پنهان عمل می کند. اشخاص به سادگی اذعان به ترس از شکست نمی کنند اما به دیگران توصیه می کنند که در رؤیاهایشان قصرهای رفیع نسازند. این ها قهرمانان عذر و بهانه هستند:

الزامات خانوادگی، مسائل مختلف، نداشتن وقت و نداشتن پول.

بعد به اشخاصی می رسیم که در کارشان «اگرها و مگرها» حکومت می کنند:

اگر رئیس شان متوجه هنر آنها شود، اگر بتوانند ایده خوبی پیدا کنند، اگر استعداد بیشتری داشتند، اگر توانا تر بودند، اگر پول بیشتری داشتند، اگر در جایی دیگر متولد شده بودند و... مسلماً اگر دست به هیچکاری نزنید امکان شکست خوردن هم از بین می رود، اما متقابلاً فرصتی هم برای موفقیت پیدا نمی کنید. توماس ادیسون ۱۰۰۰ بار قبل از اینکه لامپ روشنایی را اختراع کند شکست خورد. آبراهام لینکن قبل از اینکه در انتخابات ریاست جمهوری موفق شود در هجده انتخابات دیگر شکست خورد.



مقاله

رسیدن به موفقیت با از بین بردن بهانه ها

برای دانلود کتابخانه موفقیت برایان تریسی که شامل ده جلد کتاب الکترونیکی می باشد، کافیت روی لینک زیر کلیک کنید:

bplus2020.ir/product/brian-pdf



مقاله

رسیدن به موفقیت با از بین بردن بهانه ها

